



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

۲۸ منته

خرداد ماه ۱۳۶۲

دوره جدید شماره ۷

**تلاطم نیروهای برکوبگر  
 در هم گوییده شد**

در شماره ۵

سبک کارگوبه له  
 برای تشکیل حزب کمونیست!

**حزب کمونیست ایران**  
 مؤسسه کمیته مرکزی سازمان چریکهای  
 فدائی خلق ایران به رفقای کمیته مرکزی  
 سازمان انقلابی زخمیگهان کردستان  
 ایران (کمیته له) واتحاد مبارزان کمونیست  
 و اطلاع سازانند می هسته های مخفی  
 مقاومت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
 و کردستان مسزیدین زندگی مبارزه



اعتصابات سواستی مردم کردستان  
 تأییدی بر ضرورت اتحاد عمل نیروهای  
 انقلابی

کردستان این سنگرمقاومت ساخته  
 مبارزه انقلابی با استوار و سرسختی  
 نام تمام در برابر رژیم ارتجاعی  
 جمهوری اهلای استاد ماست و خلق  
 قهرمان گری بیگانه به نبرد بی امان  
 و حماسی خود علیه رژیم تبهکار حاکم  
 بر این رای که نیرو و تجهیزات نظامی  
 عظیمی را برای سرکوب جنبش بسیج  
 کرده است داد امه میدهد و حماسه  
 منته

پرویز باد مبارزات خلق نهرمان کرد در راه آزادی و خودمختاری

## اعتصابات سراسری مردم کردستان تاسیدی بر اتحاد عمل نیروهای انقلابی

مبارزه در سرزمین وسیعی به ایجاد سراسر کردستان ادامه دارد. اما مبارزه تنها محدود به شکل مسلحانه آن نشده است. بنا به شرایط مختلف تودهای زحمتکش کرد با اشغال گوناگون مبارزه می کند. اعتصاب عمومی اخیر در شهرهای کردستان که در اعتراض به جنایات رژیم و اقدام دستچمی بهترین فرزندان انقلابی خلق صورت گرفت، نقطه عطفی در مبارزه انقلابی خلق کرد محسوب میزدد و از جهات مختلف دارای اهمیت است. اولاً توده های سراسر کردستان با این اعتصاب یکبار دیگر چون تنگی واحد عزم جزم خود را بتداوم مبارزه علیه رژیم اعلام نمودند. خلق کرد با توسل با اعتصاب عمومی که سراسر شهرها کردستان را فرا گرفت، شکست و بی اعتباری تمام پایه سرائی ها و اداهای هیچ و در زمین رژیم را در زمینه سرکوب جنبش بنمایش گذاشت، و نشان داد که رژیم حتی در مناطقی که بزور نیروی نظامی آنها را تحت اشغال خود درآورده

مقاومت و مبارزه توده های زحمتکش کردستان تحسین و اعجاب تمام توده های زحمتکش سراسر ایران و جبهه مان را برانگیخته است. چرا که توده های سرکوب و سرکوب نظامی رژیم نتوانسته است ذره ای در عزم استوار خلقی که برای رهائی آنها خاسته است خللی ایجاد کند. اما با لعکس رژیم طی رقم تمام نیرو امکانات و تجهیزات نظامی که برای سرکوب خلق کرد بخدمت گرفته است، به گذشته هر روز ناتوانی و درمماندگی خود را بیشتر نشان میدهد. هر چند بزور نیروی نظامی مناطقی را با اشغال خود در می آورد، بیشتر در محاصره خلق و پیشمرگان قهرمان آن قرار میگیرد. احساس امنیت برای او نه در شهرها و یا در روستاهای کردستان وجود ندارد. ضربات بی دریغ پیشمرگان در شهرها و روستاهای کردستان به نیروهای مزدور رژیم موید این واقعیت است. مبارزه مسلحانه به مثابه شکل صده

است هیچ پایگاهی در میان مردم ندارد و نتوانسته است مانعی بر سر راه مبارزه انقلابی تود مها ایجاد کند .

ثانیا این حرکت انقلابی توده های خلق کرد بیانگر درك این واقعیت بود که تنها با اعتراض وسیع تود مای میتوان رژیم را بعقب نشینتی واداشت . تجربه دو سال گذشته در سراسر ایران که تزام با اعدا مهای دستجمعی از سوی رژیم بوده است بخلق کرد آموخت که هنگامیکه رژیم دست با اعدا مهای دسته جمعی میزند ، چنانچه این اقدام چنان بیگارانه رژیم متجربه یک اعتراض وسیع تود مای نکرد ، رژیم دهها و صدها بار بر تعداد اعدا مها خواهد افزود . از این رو تود مهای خلق کرد می بردند اند که تنها با اعتراض عینی ، مبارزه سرسختانه و با نشان دادن همبستگی خود با فرزندان انقلابی شان قادرند مانعی بر سر راه وحشیگریهای رژیم ایجاد کنند . بدین لحاظ اخصا صومئ اخیر یک اقدام پررزمند و مرفق بود . ثالثا این اعتصاب از جنبه دیگر

نیز حائز اهمیت بود ، در این اعتصاب اهمیت و ضرورت اتحاد عمل نیروهای انقلابی بمنظور مقابله با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نشان داد شد .

پاسخ مثبت تود مهای مردم کردستان به درخواست مشترك حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (گومله) که در اطلاعیه مشترك این دو سازمان متجلی شد ، در زمینه رهایی يك اعتصاب عمومی سیاسی در اعتراض به اعدام دستجمعی فرزندان انقلابی خلق کرد نه تنها بیانگر خواست و تمایل خلق کرد با اتحاد عمل نیروهای سیاسی انقلاب برای مقابله با رژیم محسوب میگردد ، بلکه نشان داد که برای پیروزی بر رژیم این اتحاد عمل يك ضرورت عینی محسوب میگردد . آنها بعینه نتایج علی اتحاد عمل و ضرورت آنرا دریافتند . این پیروزی نشان داد که در برابر اتحاد نیروهای خلقی و سازمانهای سیاسی انقلابی ، رژیم قادر بمقاومت نیست . و اگر در گذشته

سه رگه و قومی بزونه وهی شورسگیزانهی گه لی گورد

اعتماد پادشاه سراسری

رژیم تا حدودی توانسته است پیروزیهایی نظامی بدست آورد، این امر پیش از آنکه محصول قدرت و توان او باشد، از پرانندی و تفرقه نیروها و فقدان یک استراتژی و رهبری واحد ناشی شده است.

واقعیت اینست که تاکنون حزب دمکرات کردستان و کمیته گامهای جدی در جهت اتحاد مبارزاتی طیف رژیم برداشته اند.

مقتضی و تدوین ناپذیر بهیچوجه نمیتواند در سرنوشت خلق کرد نقش موثری ایفا نماید.

امروز توده های خلق کرد با اعتصاب سراسری و یکپارچه خود نشان دادند که از اتحاد عمل نیروهای انقلابی برای مقابله با رژیم استقبال میکنند. اکنون با تجربه آموختن از اعتصابات عمرانی اخیر وظایف سازمانهای سیاسی انقلابی است که با گسترش تدابیر بخشیدن به

اتحاد عمل در مبارزه طیف رژیم جمهوری اسلامی ضربات جدی بر پیکر فرتوت و رو بزوال جمهوری اسلامی وارد آورند.

تجربیات امروز جنبش انقلابی خلق کرد نشان میدهد که شرط لازم برای تدابیر بخشیدن به این اتحاد عمل، همانا ایجاد رهبری متمرکز و اتخاذ یک استراتژی واحد جنگی است که بتواند سازماندهی جنگ مقاومت را حول یک

برنامه عمل معین تحقق بخشیده و کلیه نیروهای ذخیره جنبش را بحرکت در آورد.

تلفیق به موقع اشکال گوناگون مبارزه و پیوند عملی جنگ مقاومت با اعتصاب گسترده توده های زحمتکش شهرهای کردستان، بخشی از این برنامه عمل است که میتواند گام موثری در تعصیق هرچه بیشتر جنبش انقلابی خلق کرد

بحساب آید. اعتصابات سراسری مردم کردستان حرکت جدیدی بود که نمونه ای از این قدرت عظیم را بنمایش گذاشت.

زندانیان سیاسی آزاد باید گردد. شکنجه، ترور، زندان نابود باید گردد.

### تفاهیم نیروهای مرکبگر در هم کوبیده شد

ساعت ۵/۳۰ پامداد روز ۲۵ خرداد ماه جاری ستونی مرکب از نیروهای سرکوبگر رژیم بقصد تصرف روستاهای گولولان (سلفی و طبا) از پایگسسه ترجان به حرکت در میاید. در ساعت پامداد به کبوت پیشمرگان سازمان انقلابی زحمتکشان ایران (کوله) میانند. یلده شده دیگر از پیشمرگان کوله از ضلع جنوبی نبرد نیروهای رژیم را مورد حمله قرار میدهند. پیشمرگان حزب دیکرات نیز با شروع درگیری به یاری پیشمرگان کوله میروند و نبردی سخت آغاز میگردد. به محض اطلاع از درگیری پیشمرگان کوله و حزب دیکرات با مزدور جمهوری اسلامی یلده شده از پیشمرگان قهرمان فدائی در اسرع وقت خود را به محل درگیری رسانیده و دو شاد و غیر پیشمرگان کوله و حزب تفاهیم گستردهای را به نیروهای سرسپرده رژیم آغاز مینمایند. آتش توخانه و خمپاره دشمن به طرز وحشیانهی شروع میگردد دشمن که

متحمل تلفات سنگینی میگردد تا کثیر به عتب نشینی میبود ولی فرزند آن دلاور خلق کرد مجال فرار به آنها را قید نمود و حامیان سرما به را که در حال فسرار بودند تا فلقگیر مینمایند در تمامی عرصه نبرد ابتکار عمل در دست پیشمرگان قهرمان بود و دشمن را یاری هیچگونه عسکرمصلحی یا پیشمرگان نبود و تا کثیر به استناد از پایگاههای اطرافه شد. ۳ خلیکوتر مجرب به توپ و راکت به یاری مزدوران می آید و مواضع پیشمرگان را حدود ۵۰ دقیقه به راکت و تالییسره ۷۰ میبندد اما نه خلیکوترها و نه نیروها ککی در اراده فرزند آن خلق غلطی وارد نیابود و دشمن مزبوحانه فرار را بر قرار ترجیح داد.

در این عملیات شهروانه فنانم زیر توسط پیشمرگان قهرمان فدائی ضا دره انقلابی گردید: ۱- تلفات ۲۰۰ نفر در قبه ۱- نارنجک دستی ۱ عدد ۲- نارنجک سرزده ۲ یک عدد

تابود باد امیرالایم جهانی سرکردگی امیرالایم آمریکا و یانگه و ایشی

در جریان عملیات دو تن از مسزدها  
توسط رفقای سازمان ما با سارت در  
آمدند و از آنجا که نقش مهمی در  
شهادت سه تن از پیشمرگان داشتند  
اعداد انقلابی گردیدند.  
رفقای کومه نیز ۷ تن از مسزدها را  
را با سارت گرفتند و یک تن از جانشینهای  
معروف را به کوفه جناحان تشریفانیدند.

**تاجم جسورانه**

آنها را آماج گلوله‌های آتشین خود قرار  
میدهند. این پسران فافلگرانه مزدوران  
را محبوره دفاع مینماید. اما دگر  
شده بود. چهارتن از مزدوران  
هلاکت رسیدند و تعداد زیادی زخمی  
و آه و ناله و فحش‌ها ایشان زوضی خود  
را هر چه بیشتر به نمایش گذاشتند. بقیه  
افراد پایگاه به سوراخهای خود خزیدند  
و شروع به خمیازه پاران منطقه مینمایند.  
خوشبختانه هیچگونه آسیبی به رفقای  
پیشمرگ وارد نیامد و رفقا با روحیه‌های عالی  
و نظم انقلابی طبق وظیفه نمودند.

خواب ۲ با ۱۱۰ نفر قشنگ ۸ مخزن  
و مقداری وسایل نظامی دیگر  
پیشمرگان کومه نیز قنایم مشروطه زیر  
مبارزه انقلابی نمودند.

- ۱- اتوبیل تویوتا ۷ دستگاه
  - ۲- اتوبیل رنجروور یک دستگاه
  - ۳- قاشه ۲ قبضه ۱- تفنگ ۲
  - ۴- قبضه ۵- تفنگ کلاشینکف ۱ قبضه
  - ۶- خمپاره انداز ۱۰ میلیتری یک قبضه
  - ۷- بی سیم کوله پشتی یک دستگاه و  
مقداری مهمات و وسایل نظامی.
- یک قبضه تفنگ ۲ نیز توسط پیشمرگان  
حزب د مکران به غنیمت گرفته شد.  
طی این درگیری نابرابر ۱ تن از  
رفقای کومه و یک پیشمرگ حزب د مکران  
کردستان ایران متأسفانه به شهادت  
رسیدند.
- سازمان ما ضمن تسلیت به خانواده  
شهادت و پیشمرگان کومه و حزب د مکران  
پهروزیهای هر چه بیشتری را در راه  
پره از تاریخ مبارزات خلق قهرمان کرد  
برای کلیه نیروهای رزنده خلق قهرمان  
کرد خواستار است.

گرانی باد خاطر و شهیدای بخون خفته خلق

سیکله کار و مدل

برای تشکیل حزب کمونیست  
چندی پیش سازمان انقلابی در محکمان  
کردستان ایران (کوله) سازمانی  
گروهها و محافل حزب ایران را برای  
بحث و نظر خواهی پیرامون مسائل  
تشکیل حزب کمونیست ایران دعوت  
نموده است. ما پیش از این دیدگاه  
خود را نسبت به برنامه حزب کمونیست  
مرد نظر کوله مشخص نموده و تحت  
عنوان "کارکاتور برنامه حزب کمونیست"  
منتشر کردیم. از این رو در اینجا  
فقط به اشاره مختصری از شیوه حزب  
سازی "کوله" که قطعاً نمی تواند جدا  
از دیدگاه و گرایش خاصی این جریان  
باشد اکتفا می کنیم.

آنچه مهمتر از همه و مقدم بر هر  
چیز در این دعوتنامه به چشم میخورد  
ترکیب نیروها و ضوابطی است که برای  
گرایشات و ایدئولوژی اساساً متفاوت به  
این بحث دعوت شده اند. عدم تجانس  
و ناهمگونی این نیروها خود گویای  
حقایق بسیار با اهمیتی است که بی  
توجهی به آن نه میتواند عماد فی باشد  
و نه به حساب تعالیات چریمانس و  
فتا برده کوله برای تأسیس حزب  
با اصطلاح کمونیست ایران گذاشته شود.

امروز دیگر بر هیچکس پوشیده نیست  
که جنبش کمونیستی ایران خصلت خرده  
کاری و پراکندگی خود را پشت سر  
گذاشته و گار به یک شکل و الیاسر  
و حدت یافته تر و سازمان یافته تر  
ضرورت تاریخی غیر قابل تردیدی تبدیل  
شده است. رشد مبارزه طبقاتی و صف  
پندی های آفکار سیاسی طبقات جامعه  
مسئله تأسیس حزب کمونیست ایران را  
قویاً اجتنابناپذیر ساخته است. اما  
مسئله اساسی اونست که در رابطه با  
حزب با چه نیرویی و حول کدام برنامه  
و چگونه بر پا میشود و با چه پشتوانهای  
ادامه کاری آن تضمین مییابد؟ نئین فر  
جریان تلاش برای تأسیس حزب کارگر  
سوسیال دمکرات روسیه همواره تأکید  
میکند " ایجاد و تحکیم حزب یعنی ایجاد  
و تحکیم وحدت همه سوسیال دمکراتها  
روسیه" او همچنین بر این اعتقاد بود  
که چنین وحدتی نمیتواند صرفاً اسلام  
شود و یا با تصویب نامه مجمعی از  
نمایندگان برقرار گردد. لذا مقدم از  
همه باید ادبیات سیاسی مشترکی در  
سطح کل جنبش بوجود آورد. بایستد  
این ادبیات سیاسی اولاً با این با آن  
منطقه محدود نغده بلکه در خدمت

ریگای کل

کل جنبش قرار بگیرد و بجای بررسی مسائل صرفاً منطقه‌ای جنبش را در مجموعه آن بررسی کند و پروتکل‌های آگاه را در مبارزاتشان جاری رساند .

افزایه بر این ، این ادبیات سیاسی مشترک می‌باید همه انرژی‌ها را متمرکز نموده و در کلیه اختلافات جزئی در افکار و دیدگاه‌های موجود میان این نیروها را که با برنامه مشترک و طی یک مبارزه مشترک در یک سازمان واحد ... مشکل شد مانع امنکس سازد (۱۷)

حال برای اینکه ببینیم رهنمودهای داهیانه‌ترین تا چه اندازه مسرود بدیش "گوله" قرار گرفته است کافسی است فقط نگاه کوتاهی به اساس سازمان‌ها و محافل که توسط گوله دست‌نبرد شده‌اند بیاندازیم تا به صد این تفاوت بی‌بهرم . اگر برای بعضی از ششوندگان ساد مانند پیش‌گوله هنوز این توهم وجود داشته باشد که منظور از ایمن اقدام با اصطلاح دکراتیك گوله بدعت

الفین ، طرح بیانیه هیات تحریریه استکرا و زاریا نقل بمعنی

مجموعه در هم و برهمی از نیروها و محافل سیاسی به این بحث اصرار آید لولونك حول اختلافات جزئی و حصول به يك ادبیات سیاسی مشترك بود تا سلا لاقل برای خود گوله باید از همه روشتر باشد که صحبت کردن از ادبیات سیاسی مشترك در يك مدت زمان کوتاه و آنهم در میان نیروهای با گرایشات و عقاید اساساً متفاوت و اختلافات نسبه جزئی بلکه عیناً اساسی ، مهارت بردازی بدیع و سلیبانه‌ای است که اگر بخواهیم خوشبینانه بآن نگاه کنیم ، باید بگوئیم تنها از ذهن آدمهای کودن و ساد و اندیشی که لاقل از تجربیات اخیر جنبش کمونیستی ایران و هیچ درسی نگرفتند تراوش میکنند .

گوله حداقل امروز باید خوب دانسته باشد که بدون وحدت آید لولونك و اشتراك نظر در خطوط اساسی برنامه حقوق سخنی هم از وحدت جزئی نمیتواند در میان باشد . گوله حتماً باین گفته‌ترین نیز توجه دارد که می‌گوید "برنامه باید بسوله همه سولیاال دکراتیكها برسیت شناخته شده و پیشنهادات -

کمیته‌های مخفی مقاومت را در هر شهر و روستا ایجاد کنیم



اساسی آن موجب هیچ انتقادی قرار نگرفت. امروز دیگر نه فقط کومه که حتی عقباندهترین مخالف روشنفکری جامعه ما میدانند که بین دیدگاههای نظرات و اهداف سازمانها و گروههایی مانند سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، راه کارگرو ۰۰۰ یا محافل سوسیال سونیستی نظیر رنجیران و طوفان و سپند و اتحادیه کمونیستها و ۰۰۰ دنیایی فاصله و شکاف وجود دارد پس خیلی طبیعی خواهد بود که - پیشاپیش پابین نتیجه برسیم که کومه خود از قبل به ایدئولوژی و ادبیات سیاسی مشترک و وحدت نظر کامل با جریانات خرده ریز بورژوائی و خرده بورژوائی از نوع سپند و طوفان و رنجیران و ۰۰۰ دست یافته و امروز با دعوت صریحی خویش قصدی جز حیثیت بخشیدن به دار و دسته اخیر ندارد. هر چند که ما معتقدیم این اتحاد نیز همانند اتحادهای کاغذی گذشته سرنوشتی

کلیات آثار جلد ۱۰ صفحه ۲۸ متن انگلیسی (تاکید از ماست)

جز "کنفرانس وحدت" و دیگر تلاشها "وحدت طلبانه" و بدون محتوا که تا کنون چندین بار داینکیر خود کومه شده بوده نخواهد داشت.

اینبار "سپند" و "اتحاد یکمونیستها" و "پیکار کمونیست" و "رنجیران" - همانجائی قدم میگذازند که قبلاً خود "پیکار" و "رزمندگان" و دیگران قدم گذاشته بودند. منتها با این تفاوت که جنبش طبقه کارگر ایران یک دوران پر تلاطم و پر تلاشی را پشت سر گذاشته است و توده های مردم و پیشاپیش آنها طبقه کارگر ایران بدان حد از آگاهی دست یافته اند که هر گرایش انحرافی را هر چند هم از زورق پیچیده شده باشد بشناسند و از یکدیگر تمیز دهند. امروز سپند اگر چه تشکیلات کومه را از هر نظر تسخیر ایدئولوژیک نموده و ایسین جریان دهقانی را مقهور اندیشه های بورژوا - رفرومیستی خود ساخته است اما در واقع سرنا را از سر کشاد شرجلوی کومه گرفته است.

پیشاپیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

"پوپولیسیم" و "سبک کار پوپولیستی" که در سالهای اخیر بعنوان "سبک انحراف اساسی در جنبش کمونیستی ایران" به نقد کشیده شده و از رسمیت افتاده بود، امروز در محدود و سخن به عنوان کشفی جدید یا هزاران آهنگ توسط "سپند" تکرار میشود، ولی در حیطه عمل و تلاش حزبماری سپند و کوبله از جایگاه تشویک خود دور می افتد و دوباره جان تازه ای میگیرد. مسخرتر از این چیزی نیست که "مدعیان "پیگیر" و "پرو و پا قرص" نقد "سبک کار پوپولیستی" در عمل به "پوپولیسیم" ناسی می غلطند و نقش و جایگاه پرولتاریای رزمنده را بسا جایگاه جنبش ملی خلق کرد مخدوش میکنند. نقد "سبک کار پوپولیستی" - سپند نه تنها نمیتواند مسائل سازمانی کوبله را بعنوان نمایندگانه یک چریسمان منطقه ای دهقانی با پایگاه نسبتاً توده ای اش حل کند، بلکه آنرا در غرق سوابد پوپولیسیم بیشتر غوطهور میسازد. اگر کوبله نیز همانند سپند سبک محفل "صرفاً" روشنفکری بود شاید میتواند استیلاست در دوره کوتاه و معینی بسا ادا و اصول روشنفکری صورت خود را سرخ نگهدارد و دلخوش باشد باینکه بشیوره

بیک راه برود. اما کوبله نمیتواند پرا نیروی دهقانی خود نسخه سپند را - بهبود دهد مگر آنکه راه رفتن خود شرا نبی فراموش نکند. وقتی وظایف یک حزب - پرولتاریائی سرانجامی که بقول لنین با حفظ ارتباط میان کلیه مراکز جنبش را بر مبداء بگیرد با وسیعترین توده مردمکنش و در زیرت اول با توده پرولتاریا ارتباط برقرار سازد و با تسبب اطلاعات وسیع و بموقع جنبش سرانجامی پرولتاریا را رهبر نماید، همه یک سازمان محدود دهقانی محول میشود، نمی توان انتظار نداشته که چنین سازمانی وظایف اساسی و اولیه خود شرا نیز فراموش نکند. پوپولیسیم - نیست که کوبله همچون یک سازمان بسیار منطقه در کردستان، از وظایف نظامی خویش باز بیماند و نقش واقعی خود را در جنبش انقلابی خلق متناسب با توان و ظرفیت نظامی آن از دست ندهد. کوبله بجای شرکت افعال در جنبش - انقلابی خلق کرده، اتخاذ امتزاجی را تا کتیکهای هدفمند و قابل هضم پرا زحمتمندان "کردستان" با شور و شگفتی وصف ناپذیر از تقبیح "سبک کوبله" پوپولیسیتی تبلیغ "شبهپرو" انقلاب فرانکی "دیگری را سردار و وزیر

شمار "چه کسانی گفتاند تود ما - نمی فهمند" و "چه کسانی از اشاعه علمی کمونیسم میترسند" به شیوه خودش به تبلیغ کمونیسم پرداخته و تبلیغین خود را به خطابه های "آتشین" در مسرود مفاهیم عام "استثمار" و "سرمایه داری" "پرولتاریا"، "کمونیسم" و ... پیوسته میان دهقانان فرستاده است. شکسی نیست که هر گز به آموزش عام و آگاه گرایانه تود می تواند در همه شرایط و در هر سطحی مفید و مؤثر باشد. اما برای اجتناب از هرگونه "خرد نگاری" باید بیبینم این برنامه چه نقشی دارد و چه وظایف هدفمندی را دنبال میکند؟ ما اصل را بر این میدانیم که کومه پس مفهوم این نظر لنین که میگوید: "بزرگساز" که باید الهام بخش ارگانهای ما باشد خود بخود از ماهیت وظایفی که برای خود قائلیم ناشی میشود. کاملاً واقف است پس وقتی کومه بعنوان پیشک سازمان منطقی دهقانی وظیفه تشکیل حزب کمونیست ایران را بدوش میگیرد باین نتیجه میرسیم که این برنامه تبلیغی

نمی تواند صرفاً نقش آگاه گرایانه عموماً را برای کومه بازی کند. این اقدام کومه یعنی دست یازیدن به تبلیغ "سبک کار پرولتاریائی" چیستی نیست جز همانا پروتیزه کردن "گام به گام" دهقانان و جایگزین نمودن آنها بجای طبقه کارگر در ارگان حزب کمونیست آینده او. در حقیقت این دهقانان - مبهوت و هاج و واج شده در مقابل افاضاً دانشمندان کومه هستند که می بایست خلاه گردان عظیم پرولتاریا در حزب مورد ادعای کومه پر کنند و رسالت تاریخی طبقه کارگر ایران را بدوش بگیرند. آری! دهقانان را میتوان و باید اصلاً کرد و به شیوه نوین تربیت نمود. ولی نه با تبلیغ تئوریک و آموزش عمومی بلکه همانطور که لنین تأکید میکند، "فقط ضمن یک کار سازمانی طولانی و بیطسی با احتیاط و در یک سازمان پرولتاریائی در غیر این صورت" آنها دائماً در بین پرولتاریا موجب گسست عنصری خرد - بورژوازی از هم باشید کی و انفراد منشور می شوند و شور او را بدل به یأس میکنند. بسته در صفحه ۲۳

پاسخ کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به رزقهای سازمان

انقلابی از جنگلستان بردستان ایران (گوریل) و اتحاد مبارزان کمونیست  
انقلابی است. اما از دیدگاه ما یک

برنامه حقیقتاً پرولتری، برنامه‌ای کسب  
شایستگی نام برنامه حزب کمونیست را -  
داشته باشد محصول هروسماست که پسند  
بند آن در کوران یک مبارزه تئوریک  
حاد تدوین شده باشد و اکثریت  
مارکسیست - لنینیستهای ایران به  
صحت و درستی آن ایمان داشته باشند  
و حول آن جمع شوند. حال آیا آنچه  
که شما تحت عنوان برنامه حزب کمونیست  
منتشر کرد باید در چنین روندی تدوین  
شده و از جهت مضمون شایسته نام برنامه  
حزب کمونیست می‌باشد؟ خیر!

چرا که اولاً این برنامه در کلیت خود  
یک برنامه بورژوا - فرمستی است که  
هدف آن حفظ و تحکیم شالودهای نظم  
بورژوائی موجود است و ثانیاً نه حاصل  
یک مبارزه ایدئولوژیک بلکه محصول ذهنی  
تفکرات تعدادی روشنفکر است. بیهنیم  
که یک برنامه حزب کمونیست چگونه  
برنامه‌یست؟ یک برنامه حزبی قبل از هر  
چیز از یک بخش تئوریک و عمومی تشکیل  
شده است که تمام نتیجه‌گیریهای بعدی  
از آن منتج می‌گردند. از این رو این

رفقا! شما طی نامه‌ای نظر سازمان  
ما را راجع به برنامه‌ای که تحت عنوان  
برنامه حزب کمونیست منتشر کرد تا بعد  
پرسیده بودید. ما طی این نامه  
مختصراً به شما پاسخ میدهم.

تردید نیست که امروزه جنبش‌زویین  
کمونیستی ایران در سیر تکاملی خوبی  
مرحله‌ای رسیده است که امر تشکیل  
حزب کمونیست ایران به معنای امری مبهم  
در دستور کار کلیه مارکسیست‌لنینیست  
ها قرار گرفته است. شرایط عینی و  
ذهنی جنبش بطور مداوم این نیاز به  
تشکیل حزب مستقل سیاسی طبقه‌کارگر  
را تقویت میکند. امروزه دیگر دوران  
گروه محفلها و اشکال زندگی ما قبل  
حزبی دوران فعالیت‌های پراکنده به  
سرعت سپری میگردد. دوران نویسی در  
حال فرا رسیدن است که خصوصیت آن  
وحدت بخشیدن به فعالیت کمونیست‌ها  
متحد کردن تشکیلات و گذار به اشکال  
زندگی حزبی است.

ما عیفاً معتقدیم که نخستین گام  
صلی در این جهت دست‌یابی به یک  
برنامه حزبی یعنی یک برنامه واحد

بخش مهمترین و دقیقترین بخش برنامه است در این بخش می باید نظام اقتصادی موجود جامعه و روند تکاملی آن مورد بررسی قرار گیرد و جوهر مشخصه و ویژگیهای اساسی نظام اقتصادی مشخص گردد. از اینرو در برنامه حزب کمونیست ایران باید سرمایه داری ایران بطور مشخص و نه سرمایه داری بطور کلی مورد بررسی قرار گیرد. نحوه فرمولبندی باید به گونه ای باشد که تکامل تدریجی سرمایه داری در ایران و همراه با آن سلطه امپریالیسم و وابستگی اقتصادی و تضادها و مصائب ناشی از این سرمایه داری آشکارا بیان گردد. اما در برنامه ای که شما ارائه داداید چیزی که وجود ندارد سرمایه داری ایران بطور مشخص و ادعا علیه آن است. در نتیجه این بخش بکلی انتزاعی است و نتیجه گیریهای آن نیز بیش از آنکه بسا زندگی واقعی سرکار داشته باشند تراوش مغز محسوب میشوند. شما از برنامه حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه بند هائی را اقتباس کرداید که به هیچوجه با شرایط اجتماعی اقتصادی ایران مطابقت ندارد. استفاده از برنامه های معتبر حتی ذکر بند هائی به

عینه از این برنامه ها در صورتی مجاز است که با شرایط مشخص جامعه ما همخوانی داشته باشد و شما این امر را نادیده گرفتاید. در بخشی که مربوط به وظیفه سیاسی فوری و رابطه طبقه کارگر با طبقات دیگر استکراهیت بورژوازی و فرمیستی برنامه شما بکلی بر ملا شد. است. در برنامه شما درمائی ظرف میان دو مرحله انقلاب ترسیم شده است. در حالیکه در برنامه حقیقتاً هرولتری پیوستگی این دو مرحله انقلاب باید آشکارا بیان شود. این واقعیتی است که انقلاب دمکراتیک ایران بدون گذارن سوسیالیسم و بدون اینکه یک مرحله گذار سوسیالیسم باشد با شکست قطعی روبرو خواهد شد. دیدگاه انحرافی شما در این مورد باعث شده است که شما از تصریح بر ضرورت استقرار دیکتاتوری انقلابی کارگران و دهقانان سر باز زنید. در بخش مربوط به مطالبات مشخص ماهیت برنامه شما بیشتر افشاء میگرد. جمهوری دمکراتیک انقلابی ادعائی شما کاملاً بوروکراتیک است و ابتکار عمل از توده مردم سلب شده است. تنها به مسئله کنترل کارگری اشاره کنیم. این کنترل بدون الغاء اسرار یازگانی بدون

سوسیالیستی، جنبش جهانی کمونیستی و تبدیل کردن جنبش‌های بی‌سخت‌خلقها و ملت‌های تحت‌ستم به ذخیره امپریالیستی اساساً عصر انقلابات پرولتری را انکار کرده‌اند و بدین‌طریق ماهیت پرولتاریائی برنامه را افشاء نموده‌اند. از نظر شکل نیز برنامه شما یک برنامه پرولتری محسوب نمی‌گردد. چرا که یک برنامه پرولتری باید شامل ترهای کوتاه بدون کلمات زائد باشد. باید بی‌چون و چرا مسجل باشد. برنامه باید کوتاه و قابل فهم و زبان آن فاطح و روشن باشد. در حالیکه برنامه‌ای که شما ارائه دادید نه کوتاه، نه قابل فهم، نه فاطح و نه روشن است. به عبارتی در اکثر موارد بجای برنامه تفسیر برنامه آمده است. مسلماً چنین برنامه‌ای که از حیث مضمون برنامه اصلاحات پرولتاریائی است و از حیث شکل نیز از مضمون خود تبعیت نمود، است نه برنامه پرولتری است و نمیتواند مبنائی برای تشکیل حزب کمونیست باشد.

البته شما حق دارید که این برنامه را بنام برنامه حزب کمونیست قلمداد کنید و حتی بر مبنای آن حزب با اصطلاح کمونیست خودتان را تشکیل دهید. اما

ملی کردن صنایع و موسسات بزرگ و کوچک تمرکز صنایع و مؤسسات به امری پیچیده تبدیل شده است. برنامه شما در زمینه دفاع از منافع پرولتاری و امپریالیسم تا بدین حد پیش‌رفته است که از حد یک برنامه خرد پرولتاری رادیکال نیز عقب ماند. متراست. آیا بدون معادله و ملی کردن سرمایه‌های بزرگ و مؤسسات و سرمایه‌های امپریالیستی میتوان مدعی کمترین مبارزه ضد امپریالیستی بود؟ چگونه است که در برنامه شما از معادله و ملی کردن سرمایه‌های متعلق به پرولتاری ایران و انحصارات امپریالیستی هیچ صحبتی در میان نیست؟ آیا این است برنامه حزب کمونیست یا اینکه این برنامه از منافع پرولتاری دفاع میکند؟ کلیت این برنامه نشان میدهد که صرتاً پای آن از منافع پرولتاری دفاع میکنند. در زمینه اختلافات درونی جنبش کمونیستی جهانی نیز این دیدگاه شما بچشم می‌خورد. شما تا کنون حتی از انتشار یک اثر منسجم در باره انحرافات کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی خود داری کرداید. اما در برنامه‌تان احکام عجیب و غریبی صادر کرداید. و بانفی کلیه کشورهای

مطمئن باشید که بر خلاف ادعای شما این امر هیچ تأثیری بر جنبش نخواهد گذاشت. ما تا کنون از اینگونه برنامه‌ها و احزاب بسیار دیده‌ایم و پهنای سرنوشت شما نیز چیزی در حد حزب کارگسران سوسیالیست، حزب رنجبران، حزب توده، خونا و امثالهم خواهد بود.

سواى برنامه بیائیم واقمیت نیروهایى را که میخواهید بر اساس آنها حزب را تشکیل دهید در نظر بگیریم. سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران يك سازمان محلی است که ریشه عمیقاً دهقانی دارد و بدون اغراق ۹۵ درصد نیروهای آن نه مارکسیستند لنینیست بلکه ناسیونالیست کرد میباشند و اتحاد مبارزان نیز يك گروه محدود روشنفکری است که بجز نت میتواند گفت آنقدر فاقد پایگاه برای توده مردم ناشناخته است که حتی از هر صد کارگر آگاه ۱۰ نفر نمیدانند که اصلاً گروهی بنام اتحاد مبارزان وجود دارد یا نه؟ تکلیف حزبی که شما میخواهید تشکیل دهید از هم اکنون روشن است. در پایان -

برنامه شما بیان چیزی جز آشفته فکری شما نیست. شما خوب میدانید کسسه در پای ژرف میان سازمان چریکهای فدائى خلق ایران راه کارگروه ۰۰ با امثال حزب رنجبران وجود دارد. اما شما از همه این سازمانها و گروهها میخواهید که نظرشان را راجع به برنامه شما اراشه دهند. این امر بیانگر چیزی جز سرکردانی شما نیست.

ما پاسخ عملی خود را بنامه شما به زودی با انتشار برنامه‌ای خواهیم داد، که هم اکنون طرح آن آماده انتشار - بیرونی شده است. ما این طرح برنامه را پیش از تصویب علناً در سطح جنبش به بحث خواهیم گذارد تا تمام سازمانها و گروهها نظر خود را بهرامون بند بیند آن اراشه دهند، و پهنای داریم که چنین برنامه‌ای میتواند شایستگی نام برنامه حزب کمونیست را داشته باشد و نه آنچه که شما تحت عنوان برنامه حزب کمونیست منتشر کرده‌اید.

کمیتة مرکزی سازمان چریکهای فدائى خلق ایران

۱۱/۲/۶۲

نقل از کار ۱۶۹



اطلاعیه کمیته سازماندهی

هسته های مخفی مقاومت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پس از حمله موشکی رژیم جنایتکار اجساد خونین عزیزانشان می گریستند عراق به شهر دزفول در اوایل اردیبهشت در حالیکه با فوج و زاری اجساد پسی و بجای گذاردن بیش از دو بیست کشته و مجروح و دهها خانه ویران، دزفول چهره دیگری به خود گرفت، خشم فرو گرفته بودهای زجر دیده دزفول در عرض چهار سال جنگ ارتجاعی، ناکهان چون گد پادی خروشان، بر طبعه رژیم پهرکست در آمد. در این روز تودها آنچه را که در این مدت از ترس سرکوب و خفقان قرون وسطائی رژیم آشکارا جرات بهانش را نداشتند، بیان کردند، از دست دادن جگر گوشه هاییشان به خاطر هیچ و هیچ، از دست دادن شوره سالها زحمت و رنج به خاطر اینکه رژیم تجیست نظام سرماییداری را بر اجساد خونین و ویرانهها جشن بگیرد رنج و مصائب سال جنگ و آوارگی فقر و فلاکت، ستم و استعمار، خفقان و سرکوب، بالاخره تودهای زحمتکش دزفول را به حرکت در آورد و این نتیجه محتوم سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی است نتیجه محتوم ادامه جنگ ارتجاعی است. در این روز تودها در حالیکه پسر

اجساد خونین عزیزانشان می گریستند در حالیکه با فوج و زاری اجساد پسی جان و نیه جان نزد یگان خود را از زیر آوارها بیرون می آوردند فریاد میکشیدند و "خمینی خون آشام را به محاکمه میکشیدند زنی فریاد میزد: " این خمینی کو، چرا نمی آید، نتیجه جنایتهایشرا ببینند چرا نمی آید؟ " زن دیگری فوج میزد: " جز جگر بگیری خمینی، پس این صدام پیشرف چرا نمی ره جماران را بمباران کنه " از گوشه و کنار شهر صدای اعتراض گر چه به صورت فردی برخاسته بود. رژیم گکاسان و خبرنگاران خود را جهت تهیه کس و خبر و تهیه گزارشات تلویزیونی بسرای تبلیغ و نفع خود به محل فرستاده بود ولی هیچ کس حاضر به مصاحبه نشد. چند تن از حاضرین که عدا تا مسن بودند به گکاسان و فیلمبرداران حمله کرده تعدادی از وسایل آنان را شدتند رژیم که وضع را چنین دید حال وسزد و ران خود را از اند پشک و دزفول و ... روانه محل کرد تا جهت فیلمبرداری شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" را پسر دهند. مردم دزفول دیده و ستم کشیده



د زفول با چشمانی خونبار و دلی آکنده از کینه و نفرت به این مزدوران مینگریستند ناطق خهری وزیر کشور و عدالی از مقامات که جهت سوءاستفاده و تبلیغات به شهر وارد شدند با پرتاب سنگ و پاره آجر از طرف مردم مواجه شدند در نتیجه فرار را برقرار ترجیح دادند رژیم متوحش از این حرکت ناگهانی مردم حزب اللهی‌ها را روانه صحنه کرد تا با شماره "جنگ جنگ" به سرکوب مردم بپردازد. مردم با این عناصر مزدور درگیر شده که بدنیال آن سپاه وارد صحنه گردید و بسیاری از توده‌ها را چه در خیابانها و چه در منازل دستگیر نمود. مردم در این حرکت با شعار "مرگ بر خمینی" و "مرکب جنگ به ضدیت آشکار با رژیم و سیاست جنگی اش بپردازد" اختند.

خبر حرکت ضد جنگ مردم دزفول بسرعت در تمامی شهرهای خوزستان پیچید و رشد اعتراضات مردم را در این شهرها بر علیه جنگ و رژیم دامن زد است.

مردم آگاه و مبارز ایران؛  
با حمایت خود از مبارزات بر حقوق مردم دزفول و شهرهای جنگزده -

خوزستان احساس همدردی خود را نسبت به مصائبی که این مردم متحمل شده اند ابراز دارید. فجایع جنگ که چه دامن مردم زخمکش خوزستان و شهرهای جنگزده را بیشتر گرفتار است ولی واقصیتها نشان میدهد که همه مردم ایران گرفتار مصائب جنگ هستند. اینهمه جوان که در جبهه‌های جنگ کشته و یا معلول و یا دیوانه میشوند، گرانی، بیماری، رکود اقتصادی روز افزون، احتکار، قاچاق، فساد اخلاق بیماری و سرکوب و خفقان همه مصائبی هستند که از قبل جنگ، حیات مردم زخمکش را تهدید میکند و رژیم جمهوری اسلامی بدون تکیه به چنین جنگی قدرت ادامه حیات نخواهد داشت اگر آن زن داغ دیده دزفولی از روی درماندگی فریاد برمی آورد که؟ ایمن صدام بی شرف چرا نمی روزه جماران را بمباران کنه" این وظیفه نیروهای آگاه و انقلابی و پیشرو است که باید به او و هزاران مادری که فرزندانشان در جبهه‌های جنگ و در جوخه‌های اعدام رژیم و در زیر شکنجه‌های وحشیانه به قتل میرسند بگویند که بمباران جماران و کشتن خمینی به تشبیهی چاره گسار

اطلاعیه کمیته سازماندهی

نیست بلکه تنها راه چاره زحمتکشان انقلاب است باید به آنان بگوئیم که برای رهایی از چنگال جنگ ارتجاعی و رژیم جمهوری اسلامی که پیشبرنده این جنگ است می بایست برای سرنگونی رژیم با پرفائی يك اعصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه تنها خیزم رفقسا و هواداران :

شعارهای ضد جنگ را وسیعاً به میان تودهای کارگر و زحمتکش ببرید می بایست با ساختن شعارهای مناسب و تود کبیر و انقلابی مبتنی بر خط سازمان جو ضد جنگ را در میان مردم زحمتکش و بخصوص کارگران گسترش دهید و اخبار جنگ را وسیعاً در بین مردم پخش کنید رابطه تداوم جنگ را بسا سیاستهای رژیم هر چه بیشتر برای تودها و بخصوص کارگران توضیح دهید با تشکیل کمیتههای مخفی اعصاب در کارخانجات و هستههای مخفی مقاومت در ادارات مدارس محلات و ... گوشش کنید شعار "انقلاب، انقلاب"

چاره زحمتکشان را در مقابل شعار "جنگ جنگ تا پیروزی رژیم قسار - دهید و بالاخره رفق مردم را حول شعارهای ضد جنگ برای سرنگونی رژیم در کمیتههای مخفی اعصاب و هسته های مخفی مقاومت متشکل نمائید در و دیوار تمام فضای شهرها را از شعارهای ضد جنگ پر نمائید بدون يك تلاش بکبیر و همه جانبه بر علیه جنگ ارتجاعی بدون برقراری جمهوری دمکراتیک خلق اماکن برقراری صلحی دمکراتیک غیر ممکن است

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند و میلیون آواره نان مسکن ندارند جنگ، جنگ، شعار سرمایه دار انقلاب، انقلاب، چاره زحمتکشان مرکز بر رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق کمیته سازماندهی هستههای مخفی مقاومت

۱۳۳۲، ۱۱



## گردستان سرزمین زندگی و مبارزه

شده است هر چادر خانواده  
 آوارهای را در خود جای داد است  
 آوارها، روستایانی هستند که سرخ  
 و خروس و بوقلمون و خانه و کاشانه خود  
 را رها کرده و برای فرار از زیر تسوپ و  
 خمپاره خمینی به اینجا پناه آورد اند  
 با چند دسته از آنها همسایه بودیم و  
 همسفر.

گوئی همین دیروز بود . چند روزی  
 بیشتر نگذشته است . ساعت حدود ۵  
 صبح بود که صدای مهیبی از خسواب  
 بیدارمان کرد . دیوارهای اطاق  
 میلرزید و پنجرهها به هم میخورد . به  
 سرعت برخاستیم ، خشاها و حمالها  
 را بستیم ، سلاها را به دست گرفتیم و از  
 اطاق خارج شدیم . فریاد همب و خمپاره  
 فضای روستا را پر کرده بود . همه جسا  
 را دود و غبار فرا گرفته بود . خانهها  
 در هم میریخت و آوار خاک به هوا بلند  
 میشد . مردم وحشتزده از خانه بیرون  
 می آمدند و پشت دیوارها پناهی میکردند

نزد یک غروب است . خورشید از  
 لابلای کوههای بلند آهسته پائین  
 میرود . گدازهای سرسبز از دور  
 دست همچون دریای خروشان موج  
 میزند . همه جا سبز است ، سبز میسز .  
 انواع گلهای رنگارنگ همانند ستارهها  
 از میان سبزهها سوسو میزنند . گلسه  
 گاوهای مست با گلههای سنگین از چرای  
 روزانه به سمت آغولها می آیند . نعره  
 بر طنینشان در افاق می پیچد و شوریدگی  
 هستی را اعلام میدند . پائین دست ما  
 روی سینه کوه اسبهای کهر شبیه زن  
 پا می کوبند و به کره های وحشی حسود  
 درس زندگی می آموزند ! کمی دورتر در  
 دهانه دره بره های کوچولو کنار ما رانش  
 جست و خیز میکنند یکی از برهها خود را  
 به مادرش چسباند و خیره خیره او را  
 نگاه میکند . گوئی مادرش بهترین کوسفند  
 دنیا است ! سمت چپ چراگاه چنفسد  
 ردیف چادر ، منظم کنار یکدیگر قطار

گردستان، گردستان پاینده باد عزمت امروز، یاد روزمت

نگاهها کینه توزانه و چشمها پر از تنفر بود. اما صدایی از کسی در نمی‌آمد فقط بچه‌ها بودند که آرام و مبسوط در بغل مادرانشان می‌گریستند. کوشی همه عادت کرده بودند همه انتظار چنین صحنه‌هایی را داشتند. چهارسال توپ و خمپاره و بمب تجارب زیادی به آنها آموخته است. چهارسال آوارگی و درگیری آنها را سخت و مقاوم کرده است. هنوز مسیر توپها مشخص نشده بود. ارتش و پاسداران ارتجاع از پشت کوه‌های دور دست روستا راه‌ها گرفته بودند. طولی نکشید که مسیر عقب نشینی مشخص شد. مردم آبادی به همراه گاوها و گوسفندان به سمت مسیر عقب‌نشینی هدایت شدند.

زنجیری طولانی از کودکان و پسران و پیر مرد در پناه دره ادامه داشت که پسوی قطعه‌ای نامعلوم کوچ می‌کرد در جهت مقابل از پلندای صخره‌ها پیشرفگان قهرمان به سوی اردوگاه دشمن یورش آورده بودند. عدای از میان آبادی اسلحه بدست ادوشید و ش پیرشرفگان از صخره‌ها بالا می‌رفتند تا به هفت مزدوران خمیسی آتشی بکشایند. زنها تدارکات

پشت جیبه را آماده میکردند و پسران خرد سال آب و آذوقه می‌آوردند. عده‌ای برای کمک به زخمی‌ها به سوی خانه‌ها می‌شتافتند در همه خانه‌ها باز بودند. دیکهای ماست هنوز سرد نشده بود. ظرفهای شیر روی چراغها می‌جوشید و نان تازه پخته توی تنورهای داغ جزغاله شده بود. خروسها می‌خواندند و بوقلمونها با جوجه‌ها پشک به علفهای سبز نوك میزدند. کوشی هیچ اتفاقی نیفتاده است. برآستی که جنگ طبقاتی چه عالم دارد. آنها که تا دیروز به زندگی فقیرانه خود سفت چسبیده بودند، چه راحت از آن دل میکنند. این بزرگترین ارزشمندترین درس این جنگ بود.

و امروز وقتی به چادرهای این مردم زجر کشیده آواره نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که این دستان توانمند چه معجزه‌گر است. در اطراف چادرها دیوارهای خشت و گل بالا می‌رود دیکهای شیر می‌جوشد، بچه‌ها شادی میکنند و خروسها می‌خوانند.

واقعاً که انگلس چه زیبا می‌نویسد: "مردم وقتی مقاومت نشأ می‌کنند احتمالاً شکست هم می‌خورند، ولی"

# برخی از رویدادهای خرداد ماه

برسینه ات نشست  
 زخم کاری دشمن  
 ای مرو ایستاده  
 این رسم توست  
 که ایستاده بمیری

یادگان  
 رفیقان  
 گمراهی باد



- ۲ خرداد شهیدان در تارکای پیمان
- ۳ خرداد قتل نژاد، پیروز بیروانی و آذانی
- ۷ خرداد شهیدان اعضای کومل
- پارس
- ۹ خرداد سرکوب و حشمتی
- عربو (در خوزستان)
- ۱۴ خرداد قیام مسلحانه کرمان
- ۱۵ " " واقعه خونین سال ۴۱
- ۱۱ " " حمله حشمتی و آذانی به اسرائیل
- یادگان و گامهای سلطنتی در لبنان
- سال ۱۳۶۱
- ۱۶ خرداد آغاز مبارزه مسلحانه چپ‌ها
- خلق برای آزادی مسلمانان
- ۲۳ خرداد اعتصاب کارگران کومل
- پرخانه ۱۳۲۲
- ۲۶ خرداد تولد رفیق هارنستوده
- کسوارا
- ۳۰ خرداد تظاهرات خونین مردم
- تهران (شنبه سرخ)
- ۳۱ خرداد شهیدان فدائی خلق
- سعيد سلطان پور

انتقام را تقویت میکند، بکنه‌ها را می‌افزاید  
 موج خشم انقلابی را سرریز می‌کند،  
 کافی است تا با یک روستائی گرد چند  
 کلمه صحبت کنیم، بیکی از چادرهای  
 این مردم آواره سری بزنیم تا بسا بسا  
 این راز بی پیرم، تا بفهمیم چرا مبارزه  
 تاریخی توده‌ها شکست ناپذیر است.

**کارگران و زحمتکشان  
 متحد شوید**

۱۳ خرداد ۱۳۰۰۰ از صفحه ۲۲

خلق قهرمان کرد، نیروهای عظیم انقلاب  
 را علیه رژیم جمهوری اسلامی سازمان  
 دهد و بهروزی انقلاب را متحقق سازد.  
 هیچ نیروئی را در برابر چنین قدرتی  
 باارای پایداری نخواهد بود. چنین  
 قدرتی را قطعاً و هرگز بصورت مصنوعی  
 و به میل مجاهدین و سایر مؤسسیین  
 "شورای ملی مقاومت" نمی‌توان بنا کرد.  
 این فقط در صورتی میسر است که  
 انقلاب موجود سراسر ایران را فرا بگیرد  
 و شور قیام همگانی شود.

کردستان ۱۹۰۰۰ از صفحه ۱۹  
 شکست افتخار آمیز می‌خورند و از پی  
 خود آرزوی انتقام را در اندیشه‌های  
 بازماندگان باقی می‌گذارند، آرزویی  
 که در دوران انقلابی، عالیه‌ترین عامل  
 الهام بخش فعالیت پر شور و نیرومند  
 می‌باشد. "وما امروز در دوران  
 انقلابی کنونی شاهد "فعالیت پر شور  
 و نیرومند" خلق ستکشی هستیم که  
 تجارب مقاومتها و شکستهای فراوانی را  
 پشت سر گذاشته است. خلقی که  
 امروز میرود تا سرنوشت خویش را بدست  
 گیرد و بهروزهای جدیدی را تجربه  
 کند.  
 امروز سرزمین آزاد کردستان قهرمان  
 ده‌به‌ده، سنگر به سنگر و خانه به‌خانه  
 زیر یورش وحشیانه ارگانهای سرکوبگر  
 رژیم خمینی و سخت‌ترین آفتبارهای  
 سنگین مزدوران سرمایه قرار گرفته  
 است. اما هر روستا که منهدم میشود  
 هر خانهای که ویران میگردد و هر  
 خانواده‌ای که مراد از میشود آرزوی

حق ملی در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست

### سبک کارگرمال

### ۳- خرداد ۵۵۵

در شماره ۲۳

حال تصور کنید وضعیت "حزب کمونیستی" را که بخواهد با پختن از تولید کنندگان خرد و نیروهای دهقان آنهم از نوع منطقای و محدود آن برهه گردد. و تازه مدعی باشد که میتواند ادامگاری خود را حفظ کند.

قطعا وقتی مارکس بر انگس ۱۲۰ پیش در مانیفست کمونیست نوشتند "کمونیستها در مراحل گوناگون گسسته مبارزه پرولتاریا و بورژوازی را طبعی می کنند ، آنان همیشه نباید گسسته مصالح و منافع تمام جنبش هستند" مسلما منظورشان این نبود ، است که این "تمام جنبش" آنقدر محدود شود آنقدر شکل انتزاعی پیدا کنند که خود طبقه کارگر را از صحنه حذف کند . برای آنکه با درک پرولیتسی "گسسته" در سطوح تفویک آن بیشتر آشنا شویم ، لازم است نظری کوتاه بر موف مقالای در همین باره که از طبعی ف کانون با اصطلاح تفویک این جریان انتشار یافته است بیاوریم . ادامه دارد

ردایی که آنها به تشان پوشاند تا بسد باز نمی شناسند . آنها هنوز نمیخواهند بدانند که تودها دیگر هیچگسسته سرنوشت خود را بدست امثال بنی صدرها نخواهند داد . هم اکنون پار دیکسر اختصاصات وسیع کارگری شدت گرفته است . روز مبارزه عظیم تودهای توده است . طبقه کارگر اینبار باید خود را برای رهبری قیام آینده آماده نماید . پرولتاریا رسالت تاریخی خود را دریافته است . پرولتاریا آموخته است که چگونه باید مبارزه طبقه ارتجاع خمینی را با مبارزه طبقه سرمایه طلبق نماید و چگونه دیکراسی خرده بورژوازی را بخود ملحق سازد . دیگر وظیفه دیکراسی کارگری است که دیکراسیهای خرده بورژوا را از زیر نفوذ لیبرالها برهاند آنها از هرگونه هراس و تزلزل نجات دهد و انقلاب را به سرانجام واقعی اش برساند . این بار طبقه کارگر ایران برشاهنشده نیروهای انقلابی میتواند و باید ارتش عظیمی از نیروهای اختصاص کنند میلیونی تشکیل دهد و هم و شو هم پیوند با جنبشهای انقلابی خلقهای ایران و مردم پر همه

۳۰ خرداد ۱۳۶۲

از صفحه ۲۵

چشم گرفت بود.

آن زمان هنگامیکه سازمان ما برنامه  
مجاهدین را بعنوان برنامه‌های پسرزوا  
رفرمیستی و پرنامای عقماند متر و کهنه  
تر از اهداف و خواستهای دیمکراتیک  
توده‌های مردم مورد انتقاد قرار داد  
و ائتلاف آنها را با پوزوازی لیبرال  
مخلوم کرد. آنچه ناسزاهای تندی گسد  
بر زبانها رانده نشد و چه موعظه‌های  
آتشینی که طایفه سازمان چریکهای فدائیان  
خلقی ایران توسط نشریات و رادیو و  
مجاهدین و متحدین آنها همانند حزب  
دمکرات گردستان صورت نگرفت.

اکنون دو سال از این تاریخ  
می‌گذرد. هم سازمان مجاهدین و هم  
حزب دمکرات باید بخود بیایند. باید  
از این شکستها درس بگیرند. باید  
بدانند که دیگر از انقلابهای امثال  
"شورای ملی مارت" کاری ساخته  
نیست و نمی‌توانست باشد. امثال  
مستأفانه پاشان‌های مجد انورید بوهانه  
مجاهدین نشان میدهند که آنها هنوز  
هم نسبت به درصهای آموزنده‌ای که  
در این شکستها تکرار شد بیگناهند.  
درسهایی که پاره‌ها و پاره‌ها در تقاضای

جنبش‌های انقلابی جهان تکرار شده  
بود. آنها هنوز در نیافتنند کسسه  
تا چه اندازه نسبت به توده‌ها عقب  
هستند. آنها هنوز درک نکردند  
که اهداف و برنامه‌هایشان تا چه  
اندازه برای توده‌ها گه‌گه و بی‌مختار  
آنها هنوز هم نیاموختند آنچه را که  
توده‌ها در زندگی علی‌خوبی  
آموختند، آنها هنوز نمیدانند کسسه  
مردم تجربیات تلخ تاریخی را هیچگاه  
برای بار دوم تکرار نمیکنند. مجاهدین  
چشمان خود را در مقابل این واقعیت  
بسته‌اند که توده‌های مردم یکبار برای  
همیشه حکومتهای از نوع "اسلامی" در  
ولایت فقیه خمینی تجربه کردند و  
دیگر هیچگاه فریب هیچ حکومتی  
از نوع "اسلام" مجاهدین را نمیخورند.  
مجاهدین هنوز نفهمیدند که چرا  
"شورای ملی مقاومت" با وجود  
اقتضای وسیع و گسترده توده‌های از  
حمایت مادی مردم برخوردار نشد و  
نقش "انترناتیو انقلابی" آنها را بازی  
نکرد. مجاهدین هنوز هم تصور میکنند  
کارگران انقلابی و توده‌های زحمتکش  
ایران گذشته‌ها را فراموش کردند و  
سپاهی با قسی پیش‌قدم‌ها را از ورای



۳ خرداد ماه ۱۳۵۵ از منحه ۲۱

این تجربیات نشان داد که دمکراتیسم خرد پیروانی دیگر مقبولیت توده های خود را از دست داده است. توده ها در صل دریافتند که دمکراتیسم خرد، پیروانی قادر نیست چهارچوب سرمایه داری را بشکند و پردگی مزدوری را از میان بردارد.

تجربیات این سالها به توده های زحمتکش همین ما این درس را داد است که تفاوت های اساسی بین گرایشات آزاد پخواهانه این یا آن طبقه اجتماعی را درک کنند و بدانند فماید کسان سیاسی هر طبقه اجتماعی آزاد پهای سیاسی را متناسب با اهداف و نیایات خویش چگونه تفسیر میکنند. آنها در صل آموخته اند که آزاد پخواهی امثال بنی صدر، آزادی ای رشد مناسبات سرمایه داری است، آزادی برای مہار کردن انقلاب است، آزادی برای فریب توده هاست. آنها هیچگاه فراموش نکردند که وقتی بنی صدر بفرستید خلیج سلاح عمومی خلق را بعنوان

اصلی ترین وظیفه حکومت تلقی کرد و سرکوب خلق قهرمان کرد، خلق ترکمن صحرا، عرب و بلوچ و ۰۰۰ را زیر همین شعار آواز کرده آنها فراموش نکردند. آن زمانی را که بنی صدر در رأس - حاکمیت بود و بعنوان اولین مقام حکومتی آشکارا اعلام کرد "شورا بی شورا" و برای انهدام همین شورا، یعنی انهدام ارگانهای قدرت توده های انهدام شوراها، مقاومت انقلابی انهدام شوراها، انقلابی کارگران پرسنل انقلابی، دانشجویان، دانش آموزان، کارمندان و ۰۰۰ کم "هست" بست با همپنین مردم هرگز فراموش نمیکنند که مجاهدین خلق عقد اتحاد با نیروهای بستند و شخصیتی را به عنوان رئیس جمهور قانونی کشور از سوی "شورای ملی مقاومت" برگزیدند که وقتی بساط استبداد را بر سنگسار خونین گدانشگاه گسترده استقرار حاکمیت را با انهدام "مقاومت" پستی افکند. همگان شاهد بودند که بنیان گذار "شورای ملی مقاومت" تبعیض حاکمیت توده را با درهم شکستن "شورای مقاومت" را تخریب در منحه ۲۳

هر چه گسترده تر یاد اتحاد عمل نیروهای متوکی و انقلابی

پرولتاریای انقلابی و تودمهای زحمتکش دست در دست بورژوازی گذاشت پس به پشتیبانی از ارتش آریامهری دل پست و برای سرنگونی حکومت خمینی به انواع تاکتیکهای توطئه گرانه متوسل شدند . مجاهدین بخپال خویش میخواست بسر پستر نارضایی تودمهای ، اما در غیاب آنها و در غیاب رهبری پیکر پرولتاری قدرت را بدست گیرد و در مشارکت بسا بورژوازی بحکومت برسند . از این پس همه تلاشهای مجاهدین در این راستا قرار داشت و همه شکردهای دیپلماتیک پنهان و آشکار آنها چه در سطح داخلی و چه در سطح بین المللی در این هدف خلاصه میشد .

اما بورژوازی هشیارتر از آن بود که "رجوی" را به "خمینی" ترجیح دهد . بورژوازی همانگونه که در طول تاریخ نشان داده بود ، اینبار نیز تلاش کرد از سازشکاری و تزلزلات خورد همبورژوازی برای حصول به اهداف و نیات خود پلانس خویش سود جوید و یا ترفیب و تشویق مجاهدین به قیام زود رس ، قلع و قمع های انقلاب را در سطح سراسری و بسیار گسترده آن متحقق سازد . از این پس سرکوب انجام گسیخته و

تروسم عریان بر کل جامعه حاکم گشت و یورش وحشیانه رژیم به صفوف انقلاب و اعدای چون کمیز انقلابیون در . . . سراسر کشور فزونی گشت . نتیجه تیمسی این یورش لجام گسیخته جوشید اختلاف و عقب نشینی موقتی تودمها از مرصه مبارزه فعال بوده که مدت محدودی - شرایط رکود و خمود را بر جامعه حاکم گردانید .

امروز همه تلاشهای مجاهدین به شکست انجامیده است . تاکتیکهای بلانکیستی آنان به سفک نشست و شگرد های دیپلماتیک بیک امر غیر جدی مبدل شده است . شکستی که لاقول برای خود مجاهدین باید تجارب بسیار بر جای گذاشته باشد .

آری تجربیات بعد از ۲۰ خرداد نشان داد که دیگر جایی برای توهسم و توهم زائی در کشور ما باقی نمانده است . دیگر نه تنها بورژوازی بظاهر "دمکرات" بلکه حتی نمایندگان سیاسی خرد بورژوازی نیز قادر نیستند بسا دست گذاشتن بر خواستهای محافظه و آزاد پخواهانه تودمها و سوار شدن ، بر موج اعتراضات انقلابی مردم ، انقلاب را از مسیر واقعی خویش منحرف سازند .

**۳۰ خرداد، تجربه توده ها**

از صفحه ۲۸

بود. هنوز شرایط قیام نرسیده بود و  
 خلاصه رهبری پرولتری با خیانت آشکار -  
 رهبران بزدل و خیانتکار دار و دسته  
 اکثریت که منجر به هزرفتن نیروی  
 وسیعی از سازمان ما شده است -  
 شدت احساس می شد. طبیعی  
 است که با تضعیف شدن و تحلیل رفتن  
 مطلق نیروی پرولتری عظیم سازمان چریکهای  
 فدائی خلق ایران بعنوان یگانه سازمان  
 پرولتری و وسیعترین و تعیین کننده ترین  
 نیروی پیگیر انقلابی، توازن قسوی  
 طبقاتی به نفع رژیم اسلامی تغییر کرد و  
 حادثه فتنه انقلابی خمینی که از پسند و  
 قیام بدون تمام ارکانهای سرکسوب  
 بورژوازی را سازماندهی کرده است -  
 فشرده گی و انسجام بیشتری نسبت به  
 نیروهای انقلابی برخوردار شده و آمادگی  
 لازم برای عملیات جنگی وسیعی را بدست  
 آورده بود. درست در چنین شرایطی  
 سازمان مجاهدین خلق که گویا میدان  
 مبارزه را "بی رقیب" میدید با اشتنا بزرگی  
 خاص خود مهورهائی دست بکار قیام شد  
 و افراد در دستور کار خویش قرار داد  
 سازمان مجاهدین بجای اتکاء به

باید وضعیت شرایطی را که منجر باین  
 واقیع شد مورد بررسی قرار دهیم.  
 حوادث ۳۰ خرداد در شرایطی  
 صورت گرفت که بحران اقتصادی -  
 سیاسی ابعاد وسیعی  
 پیدا کرده بود. فقر و فلاکت شدیدا بروز  
 پر شد. نهاده بود و تضادهای درونی  
 حاکمیت در نقطه اوج خود قرار داشت.  
 شرایطی که در آن توهمات تودهای فرو  
 می ریخت، امدها و اوامهات خرافی در  
 هم می شکست و خشم و نفرت نسبت به  
 رژیم خمینی تشدید میشد. جنبش  
 انقلابی تودهای با نیروی عظیم پیش  
 میرفت و اعتراضات و اعتراضات محسوس  
 منطقی اشکال طالبی از مبارزه انقلابی  
 را طلب میکرد. اعتراضات کارگری شدیدا  
 رونق گرفت و در موارد بسیاری  
 اشکال قهرآمیز بخود گرفته بود.  
 با این همه هنوز راه طولانی در  
 پیش بود. هنوز مبارزات تودهای ابعاد  
 سراسری پیدا نکرد و هنوز آمادگی  
 قیام بعنوان طالبترین شکل مبارزه تودهای  
 حتی در پیشرفته ترین نیروهای کارگری و  
 زحمتکشترین اقشار خلق فراهم نشده

### ۳۰ خرداد، و تجربه توده‌ها

برای اینکه قیام موفقیت آمیز باشد باید به توطئه و یا حزب متکی نکرد بلکه به طبقه پیشرو تکیه نمود. این اولاً، قیام باید به بشور انقلابی مردم متکی باشد. این ثانیاً، قیام باید همانچنان نقطه تحولی در تاریخ انقلاب فرازند متکی باشد که در آن فعالیت‌های دسته‌های پیشرو مردم به حد اکثر خود رسیده باشد و تزلزل صفوف دشمن و صفوف دوستان ضعیف و دودل و متزلزل انقلاب از هروقت شدیدی تر باشد. این هم ثالثاً، این سه شرط لازم طرح مسئله قیام، مارکسیسم را از پلانکسیسم متمایز میسازد.

دو سال از رویداد ۳۰ خرداد میگذرد  
۱۰ خرداد ۱۳۶۰ نقطه عطفی دیگر  
در تاریخ مبارزات صیبهن ماست. قبل از  
آنکه به نتایج این رویداد بپردازیم  
نیمه در صفحه ۲۷

#### تاج محمد جیو رانه به پایگاه گله‌لی خان

ساعت ۱۲/۳/۱۲ یک  
دستان پیشمرگان قهرمان فدائی بنظر  
شناسائی محل استقرار دشمن واقع گردید.  
توجه صرف به روستای گله‌لی خان در ۲۰۰  
متری پایگاه یکمین مردوران نشسته  
نیم ساعت بعد تعداد ۱۰۰ نفر از جوانان خود  
نورخته فاضل از حضور پیشمرگان همیشه  
قهرمان فدائی از غیورانه‌های خود بدون  
خزیده و بی‌بای تکیه سنگرهای خود  
مشغول بنظر می‌شدند. جان پرکشان  
فدائی با تیار مسلسل‌های خود و فریاد  
های ترک پر خینی وزنده باد فدائیس  
در صفحه ۲۷

**پرنای گل**  
سازمان فرهنگی  
فدایی خلق ایران را  
پشتواند

تاریخ ۸۰ سال

شماره ۱۶۸